پیش!

آتش بس فوری و بدون قید وشرط، آزادی گروگان‌ها و آغاز مذاکره‌ی بین‌المللی برای صلح پایدار!

بیانیه حزب چپ ایران درباره‌ی جنگ غزه

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران

جنگی که با حمله‌ی حماس در ۷ اکتبر به چند شهر مرزی اسرائیل و پی‌آمد قتل ۱۴۰۰ تن و گروگان گرفتن بیش از ۲۰۰ تن دیگر، در هفتم اکتبر آغاز شد، با حمله‌ی متقابل ارتش اسرائیل به غزه، با شدتی کم‌سابقه و فاجعه‌بار هم‌چنان ادامه دارد. تاکنون بیش از ۸۰۰۰ تن بر اثر بمباران‌ها و حملات توپخانه‌ای اسرائیل در غزه کشته شده‌اند، که بخش بزرگی از آنان کودکان هستند. دولت اسرائیل نیروی وسیعی را در اطراف غزه مستقر و اشغال آن را آغاز کرده‌است. واکنش به حمله‌ی حماس بسیار پر دامنه و فاجعه‌بارتر از پیش است. در سال‌های ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ نیز غزه شاهد بمباران‌های اسرائیل بوده، اما این بار، شدت حملات و ابعاد بمباران‌های مداوم بسیار گسترده‌تر و قربانیان این حملات به مراتب بیشتر از دفعات پیش است؛ انتقام جمعی از مردم غزه در میان است. تلاش‌ها برای آتش‌بس و کمک‌رسانی به مردم غزه، به دشواری ممکن است و حلقه‌ی محاصره‌ی مردم غزه هر روز تنگ‌تر می‌شود. اسرائیل دسترسی مردم به آب، غذا، دارو، برق و سوخت را محدودتر کرده‌است. صدها هزار تن را به ترک خانه‌های خود در شمال غزه فراخوانده‌است. هم‌چنین در کرانه‌ی باختری هم، خشونت شهرک نشینان یهودی علیه فلسطینی‌ها شدت گرفته‌است و بیش از صد تن به قتل رسیده‌اند.

تلاش‌ها برای آتش‌بس، قطع جنگ و توقف کشتار مردم به جائی نرسیده، قطعنامه‌های مختلف برای آتش‌بس در شورای امنیت سازمان ملل، با وتوی دولت امریکا به بن‌بست رسیده‌اند. اما مجمع عمومی سازمان ملل توانسته‌است طی قطعنامه‌ای با رای قاطع، خواستار آتش‌بس شود. دول غربی نیز، درعین حمایت خود از اسرائیل، تحت فشار اعتراضات افکار عمومی، در مورد گسترش این جنگ و ادامه‌ی وضعیت فاجعه‌بار کنونی، هشدار داده‌اند. با این همه، دولت اسرائیل بی‌اعتنا به این دعوت‌ها و اخطارها، هم‌چنان با گسترش عملیات نظامی، از برقراری آتش‌بس طفره می‌رود و تلاش بری اشغال خونین غزه را شدت می‌بخشد. آن‌چه در غزه می‌گذرد به جز حذف ساکنین این منطقه و تلاش برای الحاق آن به اسرائیل، معنای دیگری ندارد. کشتار و کوچ اجباری مردم غزه، نقض قوانین بین‌المللی و جنایت آشکار علیه بشریت محسوب می‌شود.

واکنش‌های فاجعه‌بار اسرائیل اما، حمله‌ی حماس به مردم غیرنظامی در اسرائیل، کشتار مردم عادی، قتل کودکان و دیگر کسانی را که نقشی در خشونت روزمره‌ی دولت اسرائیل ندارند، توجیه نمی‌کند. این اقدامات جنایت‌های آشکاری بودند که موجب انزجار نیروهای مدافع صلح در اسرائیل و فلسطین، در منطقه و جهان شدند. روشن نیست که حماس با چه محاسباتی دست به چنین حمله‌ی غافلگرانه‌ای

زده‌است، اما نتیجه‌ی آن می تواند همه‌ی منطقه در کام آتش جنگ فروبرد. اقدامات حماس در این حمله مذموم و غیر قابل قبول، در عمل نیز خلاف مصالح مبارزه‌ی حق طلبانه فلسطینی‌ها علیه اشغالگران است و به روند مبارزه برای احقاق حقوق ملی مردم آن لطمه می‌زنند. مسئولیت حماس در پاسخگوئی به جنایات انجام یافته، نمی‌تواند انتقام‌گیری جمعی از مردم غزه و جنایت به‌مراتب بزرگ‌تری را توجیه کند.

جنگ در غزه تاثیرات زیادی در منطقه گذاشته‌است و تداوم آن شکاف‌ها در منطقه را بیشتر کرده است، بطوری که در جهان عرب عادی شدن رابطه با اسرائیل به‌مراتب دشوارتر از پیش شده است. لغو دیدار سران اردن، مصر و تشکیلات خودگردان فلسطین با بایدن در سفر او به خاورمیانه، بعد از اظهارنظر در مورد بمباران بیمارستان در غزه، نشان‌دهنده‌ی حساسیت اوضاع در منطقه است. خطر دو چندان در لحظه‌ی کنونی آن است که درگیری‌ها از حد اسرائیل و حماس فراتر رفته، به دیگر کشورها از جمله لبنان هم گسترش یابد. گامی که می‌تواند امکان تبدیل شدن جنگ کنونی به یک درگیری منطقه‌ای و فراتر از آن را بیشتر کند.

حمله‌ی غافلگیرانه‌ی حماس، اسطوره‌ی اقتدار دولت اسرائیل و کنترل آن بر اوضاع را زیر سوال برد و نشان داد که برخورد امنیتی، کشیدن دیوار و حصار نمی‌تواند امنیت اسرائیل را تامین و ادامه اشغال فلسطین را ممکن کند. پایان این جنگ می‌تواند، حدی از فاصله گرفتن جامعه‌ی اسرائیل از کلیشه‌ها و اسطوره‌های تخیلی و مقدس سرزمین موعود مورد ادعای یهودیان بنیادگرای این کشور را موجب شده و گرایشی را در جامعه‌ی اسرائیل تقویت کند، که در جست‌وجوی راهی برای هم‌زیستی دموکراتیک و زندگی در صلح برای هر دو ملت است.

دولت اسرائیل از همان آغاز تا کنون با امتناع از پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل، راه زندگی در صلح و امنیت بین دو ملت را مسدود ساخته‌است و به هیچ کدام از قوانین بین‌المللی پایبند نبوده، حتی به تعهدات خود با فلسطینی‌ها در اسلو نیز عمل نکرده‌است و تا امروز، با اطمینان از حمایت همه جانبه‌ی دولت آمریکا و متحدان غربی آن، حقوق مردم فلسطین را زیر پا گذاشته و با گسترش شهرک‌های یهودی نشین در مناطق فلسطینی، عملا تشکیل دولت فلسطین را با مانع مواجه ساخته‌است. اما این جنگ نشان داد که راهی جز مصالحه در پیش روی نمانده‌است. افراطیون اسرائیل هیچوقت به اندازه‌ی امروز، با خشم و اعتراض جهانی و حتی درون خود اسرائیل – علیرغم فروکش مقطعی اختلافات عمیق در فضای سیاسی داخلی – روبرو نبوده‌اند. این جنگ، بعد از سال‌ها، دوباره حل مناقشه‌ی اسرائیل و فلسطین را، به مهم‌ترین مسئله‌ی منطقه تبدیل کرده‌است. شدت سبعیت در کشتار مردم بیگناه از هر دو سو، کوتاهی جامعه جهانی و کم‌توجهی به تبعیضی که علیه مردم فلسطین روا می‌شود، را آشکارتر نموده‌است. آن چه در فلسطین می‌گذرد، زخم چرکین چند ده ساله است که هر بار با فجایعی به‌مراتب عظیم تر از گذشته، در برابر چشمان جهانیان ابراز وجود می کند. همین واقعیت هم، فشار بر دول حامی سیاست‌های اسرائیل را افزون‌تر ساخته و حمایت آشکار از این جنگ ویرانگر را دشوارتر کرده‌است.

تردیدی نیست که سیاست‌های جمهوری اسلامی در حمایت از حماس و دیگر نیروهای شبه نظامی مثل جهاد اسلامی و اظهارات تحریک‌آمیز رهبر جمهوری اسلامی و اطرافیان او، معنای دیگری جز دامن زدن به تخاصم خطرناک بین دو دولت ندارد. اما اگر رجزخوانی‌های سران جمهوری اسلامی و تهدیدات لفظی آن‌ها، منجر به این یا آن اقدام عملی در منطقه شود، می‌تواند خطر درگیر شدن بیشتر را رقم بزند و مردم و کشور ما را با پیآمدهای فاجعه‌باری مواجه سازد. از سوی دیگر، در میان اپوزیسیون هم نیروهائی وجود دارند که با بزرگ نمائی حمایت رژیم از حماس، مایل‌اند پای جمهوری اسلامی را هم به این جنگ بکشانند. به‌خصوص بخشی از اپوزیسیون، که برای زدن «سر مار» در ایران، یعنی جمهوری اسلامی، فراخوان می‌دهد و حمله به ایران را تبلیغ می‌کند، در این راستا قرار دارد. ما در عین مرزبندی قاطع با چنین رویکردهائی، معتقدیم جمهوری اسلامی باید دست از ماجراجوئی در منطقه بردارند و به با منافع ملی و امنیت مردم ایران بازی نکنند.

حزب چپ ایران از آتش بس فوری و بدون قید و شرط، قطع بی‌درنگ تمام عملیات نظامی اسرائیل علیه مردم غزه و آزادی فوری گروگان‌ها توسط حماس و آغاز مذاکره بین اسرائیل و فلسطینی‌ها برای برقراری صلح پایدار، براساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد پشتیبانی می‌کند و بر این باور است که راه دیگری جز توافق بر سر یک راه حل عادلانه برای اجتناب از جنگ و خونریزی و پایان دادن به این مناقشه‌ی طولانی متصور نیست. به‌موازات این اقدامات، ضروری و حیاتی است که مایحتاج مردم غزه هر چه سریع‌تر تامین و راه‌های امداد رسانی به ساکنین و آسیب دیدگان هرچه زودتر گشوده شود. ما معتقدیم که مناقشه بین اسرائیل و فلسطین، راه حل نظامی ندارد. هیچ کدام از این دو ملت، قادر به حذف دیگری نیست. راه حلی که تاکنون مورد وفاق جامعه‌ی بین المللی بوده، راه حل تشکیل دو دولت است. این راه حل هنوز روی میز است و پشتوانه‌ی حقوقی مستحکمی برای رسیدن به صلح و مصالحه به شمار می‌رود.

Source URL: *https://bepish.org/node/9955*